

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نصیحت:

فقه آن، شرط‌های آن و ضوابط آن

مؤلف: عبدالله بن عبدالحمید الاثری

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: نصیحت (فقه آن، شرطهای آن و ضوابط آن)

مؤلف: عبدالله بن عبدالحمید الاثری

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

نصیحت! فقه آن، شرطهای آن و ضوابط آن

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است و صلوات و سلام بر رسول الله، آخرین پیامبر و بر آل و اصحابش و کسی که به او تا روز قیامت یاری رساند.

اما بعد: از مهمترین مسائلی که مسلمانان را به هم نزدیک می‌کند و از باهمیت‌ترین آنها بعد از توحید، کوشش برای یکی کردن صفهای آنها می‌باشد، تا در اراده یکی شوند و الفت و محبت بین آنها گسترش یابد و این امکان پذیر نمی‌باشد، مگر با انجام آنچه الله تعالی از حقوق برادری واجب نموده است و تا آخر ادامه نمی‌یابد، مگر با دوست داشتن متقابل و انجام کاری

^۱ «نصیحة» در زبان عربی اول به معنای خیرخواهی است و معنای دوم آن همان نصیحت فارسی است، در این کتاب در بعضی موارد، نصیحت معنا شده است و در بعضی موارد خیرخواهی، و من الله توفیق صواب. (مترجم).

دو عوض نیکی برادر، نصیحت نمودن و خیرخواهی برای یکدیگر یکی از بزرگترین مسائل برادری برای الله تعالی می باشد و از روی اهمیت آن، پیامبر ﷺ آن را از دین قرار داده است تا آنجا که با بعضی از اصحابش بیعت نمود که برای هر مسلمانی خیرخواهی و نصیحت داشته باشند.

وقتی نصیحت و خیرخواهی دارای منزلت بزرگی می باشد و اجتماع اسلامی از آن تأثیر می گیرد و اجتماعی ربانی ایجاد می گردد، بر ما واجب است که نصیحت و خیرخواهی را بشناسیم و همچنین شرطهای آن و ضوابط، زمانها، عوامل و موقعیت های آن را نیز بشناسیم؛ تا آن که از بعضی خطاها و اشتباهاتی که در نزد خیرخواهانی که امر به نیکی می نمایند و یا دیگران، از روی سهو و غفلت دچار آن می شوند، در امان بمانیم؛ بدین صورت که نصیحت باعث نشود تا از تغییر و اصلاح به ایجاد نفرت برسیم و از صفا و صمیمت به کدورت و دشمنی تغییر حالت دهیم.

به همین دلیل این مطلب را برای برادران دعوتگر به صورت خاص و مسلمانان به طور عام و برای امر کنندگان به نیکی و نهی کنندگان از زشتی نوشته‌ام. از الله تعالی درخواست می‌نمایم تا بین قلبهای ما الفت ایجاد نماید و رفتار بین ما را اصلاح کند و صف‌های ما را یکی گرداند! همانا او سبحانه بر این امر توانا می‌باشد.

تعریف نصیحت:

«نصح» در لغت: گفته می‌شود: «نصح الشیء» وقتی است که از آلودگی‌ها پاک می‌شود و گفته شده است: آن از «نصحتُ العسل» گرفته شده است، وقتی که عسل از موم جدا می‌شود؛ در اینجا است که خالص و پاک کردن سخن از خیانت و بدی به خالص کردن عسل از موم تشبیه شده است. و «النُّصْحُ»: بر ضد «غش» (نیرنگ) می‌باشد.

در اصطلاح به این معناست: نصیحت، خالص کردن نیت

از به فساد کشیدن در معامله است و بر خلاف خیانت و فریبکاری می‌باشد. نصیحت کلمه‌ای است که معنای جمله‌ای را می‌دهد و آن خواست خیر رساندن به کسی است که مورد نصیحت واقع می‌شود. خلاصه به این معناست: نصیحت کننده نیتش در سخن و عمل نمودن را برای نصیحت برادر مسلمان خود خالص گرداند. بلکه هدفی از هدفهای دنیایی یا یاری نمودن نفس یا ایراد گرفتن از شخص نصیحت شده ندارد و نصیحت را به نیکوترین روش انجام می‌دهد.



حکم نصیحت:

علماء در حکم نصیحت اختلاف نظر دارند، بعضی از آنها گفته‌اند: فرض عین^۱ است. دیگران گفته‌اند: فرض کفایه^۱ است.

^۱ - به این معنا که هر کسی باید آن را انجام دهد. (مترجم)

با این وجود بر واجب بودن آن اتفاق نظر دارند و این که کدام برتر است، والله أعلم؛ مقداری از آن فرض عین است و مقداری از آن فرض کفایه است و مقداری از آن واجب است و مقداری از آن مستحب؛ این بر حسب مکانها، زمانها، امکانات شخص و میزان توانایی او فرق می‌کند، با وجود آن که واجب است که هر مسلمانی به برادر مسلمان خود توجه داشته باشد، به شرطی که این شرطها وجود داشته باشد:

- ۱- توانایی بر نصیحت وجود داشته باشد و مانعی حسی و معنوی وجود نداشته باشد.
- ۲- بداند که نصیحت شده، نصیحت را قبول می‌کند و نصیحت باعث لجبازی او نمی‌شود و همچنین بر اثر آن مفسده‌ای پیش نمی‌آید.
- ۳- کسی که نصیحت می‌کند، جان و مالش حفظ شود و

= _____

- ۱- واجبی است که اگر به اندازه‌ی نیاز توسط بعضی صورت گرفت، بر دیگران انجام آن واجب نمی‌باشد. (مترجم)

ضرری به او نرسد.

نصیحت آنچنان که در کتاب الله تعالی آمده است:

نصیحت در قرآن صفت پیامبران و صالحان معرفی شده است و برای آن فضیلت و دلالت خیر وجود دارد، الله تعالی از زبان پیامبرش نوح علیه السلام می فرماید: ﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾ [الاعراف: ۶۲] (رسالتهای پروردگارم را به شما می رساندم و برای شما خیرخواهی و نصیحت می کنم) به این معنا که در جستجوی اصلاح شما می باشم. همچنین سخن الله تعالی که از زبان پیامبرش هود علیه السلام می فرماید: ﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾ [الاعراف: ۶۸] (رسالتهای پروردگارم را به شما می رساندم و من برای شما خیرخواه و نصیحت کننده ای امین هستم). به این معنا که در آنچه شما را به سوی آن دعوت می دهم، برای شما خیرخواهی می کنم. این نصوص قرآنی دلیلی بر این است که خیرخواهی و نصیحت از مهمترین اموری بوده است که پیامبران علیهم السلام به قوم خود

روا می داشتند و در حالت سلب و ایجاب و به نسبت نصیحت و خیرخواهی آنها، میوه می داد و آن برای کسب اجر از الله تعالی صورت می گرفته است.

نصیحت همان گونه که در سنت پاک آمده است:

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا: يَرْضَى أَنْ تَعْبُدُوهُ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا، وَأَنْ تَتَنَاصَحُوا مِنْ وَلَاءِ اللَّهِ أَمْرَكُمْ» (الله به سه چیز برای شما راضی می شود: راضی می شود که او را عبادت کنید و ذره ای به او شرک نورزید و همگی به ریسمان الله تمسک جوئید و فرقه فرقه نشوید و برای کسی که الله به دوستی با او امر نموده است، خیرخواهی و نصیحت کنید) [رواه مسلم].

همچنین فرموده است: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ: إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانصَحْ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ فَحَمْدُ اللَّهِ فَشِمِّتْهُ، وَإِذَا مَرَضَ فَعُدْهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» (حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است: اگر او را ببیند بر او

سلام کند و اگر او را دعوت نمود، اجابت کند و اگر طلب خیرخواهی نمود برای او خیرخواهی کند و اگر عطسه کرد و الحمد لله گفت، جواب او را بدهد^۱ و اگر مریض شد، به عیادت او برود و اگر وفات یافت، جنازه‌ی او را تشییع نماید) [رواه مسلم]. جریر رضی الله عنه گفته است: «با رسول الله صلی الله علیه و آله بر پریا داشتن نماز و پرداخت زکات و خیرخواهی و نصیحت برای هر مسلمان بیعت نمودم». تمیم بن أوس الداری رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الدين النصيحة» (دین همه‌اش خیرخواهی است)، گفتیم: برای چه کسی؟ فرمود «الله ولکتابه ولرسوله وأئمة المسلمين وعامتهم» (برای الله و برای کتابش و برای فرستاده‌اش و برای امامان مسلمان و برای عموم آنها) [رواه مسلم]. حدیثی که تمیم الداری آورده است، کلی‌ترین حدیث در این باب است و به شرح کامل آن خواهیم پرداخت و همچنین

^۱ - جواب آن: «یرحمک الله» (الله تو را رحمت کند!) می‌باشد. (مترجم)

منزلت این حدیث نزد علمای اهل سنت و جماعت را بیان خواهیم داشت.

منزلت حدیث «الدین النصیحه»:

این حدیث دارای منزلتی بالا و شأنی بزرگ است و این در حالی است که کلمات آن کم است، ولی دارای فواید و معانی بسیاری می باشد^۱، به طوری که احکام اسلام در آن داخل می باشند. زیرا آن بیان می دارد که ستون دین و برپا شدن آن وابسته به خیرخواهی است و با وجود آن است که دین برای مسلمانان برپا می ماند و با دور بودن از آن تمامی شئون مسلمانان ناقص می شود. اهمیت این حدیث همان اهمیت خیرخواهی است که رسول الله ﷺ آن را سبب برپا شدن دین و

^۱ - شیخ علی بن نایف الشعود، پنج جلد کتاب در شرح این حدیث

تألیف نموده است. (مترجم)

ستون آن قرار داده است و پیامبر ﷺ حد نصیحت کننده و نصیحت شده را به طور آشکار مشخص نموده است؛ خیرخواه و نصیحت کننده، هر مسلمانی است که به پروردگاری الله تعالی و دین بودن اسلام و رسول بودن محمد ﷺ ایمان آورده است. تمامی این موارد را پیامبر ﷺ در این سخن خود بیان فرموده است: «الدین النصیحة» (تمامی دین خیرخواهی است). پس کسی که به دین اسلام التزام دارد، واجب است که خیرخواه باشد.

اما کسی که مورد خیرخواهی قرار می گیرد: «النصیحة لله، ولکتابه، ولرسوله، ولأئمة المسلمین، وعامتهم» (خیرخواهی برای الله و برای کتابش و برای رسولش و برای امامان مسلمان و برای عموم آنها است).

شاید کسی از خودش سوال نماید: چگونه خیرخواهی برای این گروه واقع می شود؟ به توفیق الله تعالی، جواب این است:

۱- خیرخواهی برای الله تعالی: خیرخواهی برای الله تعالی معنای آن ایمان آوردن به وی و اعتقاد به این که برای او شریکی وجود ندارد و ترک نمودن الحاد به صفات وی و توصیف وی به صفات کمال و جلال و پاک دانستن وی سبحانه و تعالی از تمامی نقصها و برپا داشتن اطاعت وی و خودداری از نافرمانی او و دوست داشتن و دشمنی برای وی، دوستی با کسی که از او اطاعت می‌کند و دشمنی با کسی که از او نافرمانی می‌نماید و جهاد نمودن با کسی که به او کفر می‌ورزد و اعتراف به نعمتهای وی و شکر نمودن برای آنها، اخلاص داشتن در تمامی امور و دعوت به تمامی این موارد که بیان شد و تشویق نمودن به آن و متوجه ساختن تمامی مردم به آنها و دعوت دادن آنها به آن می‌باشد. خلاصه‌ی سخن این می‌شود: انسان اطاعت کننده الله تعالی با انجام امرهایش و ترک اموری که نهی نموده است و توصیف نمودن او به صفات کمال و بزرگی و پاک دانستن وی از نقص داشتن.

۲- خیرخواهی برای کتاب الله تعالی: خیرخواهی برای کتاب او سبحانه و تعالی شامل: ایمان به آن که آن سخن الله تعالی است - چه حروف آن و چه معانی آن - از او شروع شده است و به سوی او بر می‌گردد، نازل شده است و مخلوق نمی‌باشد، الله تعالی در آن از روی حق سخن گفته است و آن را به جبرئیل علیه السلام داده است و جبرئیل علیه السلام آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل نموده است، بعد از همه‌ی این موارد، باید برای خواندن آن کوشش نمود و نزد آن فروتن بود و آن را حفظ نمود و تفسیر آن را آموخت و از آن در مقابل تأویل منحرفان و دست درازی طعنه‌زنندگان دفاع شود و آنچه در آن آمده است، تصدیق شود و اعتقاد وجود داشته باشد که آن راه زندگی است و برای هر زمان و مکانی می‌باشد و باید کوشش صورت گیرد که احکام آن پیاده شود و به آن عمل شود و در برابر حکمهایش ایستادگی صورت گیرد و علمها و مثالهای آن فهمیده شود و از پندهای آن درس گرفته شود و اخبار آن تصدیق شود و در

عجایب آن تفکر صورت گیرد و به محکم آن عمل شود و نسبت به متشابه آن تسلیم انجام گیرد و درباره‌ی عموم و خصوص آن و ناسخ و منسوخ آن جستجو صورت گیرد و برای تعلیم و تعلم آن کوشش انجام پذیرد، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «خیرکم من تعلم القرآن وعلمه» (بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد) [رواه البخاری (بخاری)].

۳- تصدیق قرآن خیرخواهی برای رسول الله ﷺ است و خیرخواهی برای رسول الله ﷺ شامل: تصدیق پیامبری او و ایمان به تمامی آنچه آورده است و اطاعت از امرها و خودداری از نهی‌های وی و یاری رساندن به زنده و مرده‌ی وی، دشمنی با کسی که با او دشمنی می‌کند و دوستی با کسی که به او دوستی می‌کند و بزرگداشت شریعت وی و نفی تهمت به وی و نشر علمهای وی و فهمیدن معانی آن و کوشش نمودن برای آموختن و بزرگداشت آن و بزرگ کردن وی و ادب داشتن هنگام یاد

نمودن وی و خودداری از صحبت کردن بدون علم، درباره‌ی وی و بزرگداشت اهل او، زیرا با او نسبت دارند و برگرفتن اخلاق وی و ادب پیدا کردن با آداب وی و دوست داشتن اهل بیت و صحابه‌ش علیهم‌السلام و خودداری از ایجاد بدعت در سنت او یا بی‌احترامی نمودن به یکی از اصحاب وی علیهم‌السلام؛ پس خیرخواهی برای رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همان محبت داشتن نسبت به وی به این معنا که به او و اهل و فرزندان و تمامی زنانش محبت وجود داشته باشد، تا به این سخنش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عمل شود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (ایمان کسی از شما کامل نمی‌شود، مگر آن که من را از فرزندش و پدرش و تمامی مردم بیشتر دوست داشته باشد) [رواه البخاری (بخارایی)].

۴- خیرخواهی برای امامان مسلمان: کمک کردن به آنها در چیزی که مسئولیت برپا داشتن آن را به عهده دارند و کمک کردن به آنها در امور حق و اطاعت از آنها در آن امور حق و

هشدار دادن و یاد آوری آنها به مدارا نمودن و لطف داشتن و باخبر ساختن آنها از آنچه از حقوق مسلمانان که انجام نمی‌دهند و محبت ایجاد کردن در قلبهای مردم به اطاعت از آنها و ارتباط داشتن با آنها و باخبر ساختن آنها از عیب‌هایشان و یادآور شدن الله تعالی به آنان و یادآور شدن آخرت و امر به نیکی نمودن و نهی زشتی نمودن آنها و تشویق آنها به بی‌اعتنایی نسبت به دنیا و همچنین تحریک آنها به تقوا و عدالت و باز داشتن آنها از ظلم و ستم.

از خیرخواهی برای آنها، نماز خواندن پشت سر آنها و جهاد نمودن همراه آنها و پرداخت صدقات خود به آنها و ترک نمودن قیام نمودن بر علیه آنها با شمشیر، اگر دارای ضعف بودند یا رفتار بدی داشتند یا مرتکب فجور و ستم شدند و این تا زمانی است که بین مردم نماز برپا دارند [و اگر بین مردم نماز برپا ندارند، بر حسب توان باید بر علیه آنها قیام نمود]. ستایش دروغین از آنها انجام نگیرد و برای اصلاح آنها دعا شود و

تمامی این موارد برای امامان مسلمان می‌باشد؛ کسانی که امور مسلمانان را برپا می‌دارند و به حکم الله تعالی، حکم می‌نمایند، امامان به معنای علماء نیز آمده است و خیرخواهی برای آنها، بزرگ نمودن آنها و علم آموختن از آنها و تبعیت از آنها در حکمها و نیکو کردن گمان به آنها می‌باشد.

۵- خیرخواهی برای عموم مسلمانان: همان راهنمایی نمودن آنها به مصلحت‌های دنیا و آخرت آنها و خودداری از آزار آنها و آموزش دادن آنچه از دین که نسبت به آن غافل هستند و کمک کردن به آنها در آن با سخن و عمل و پوشاندن عیب‌های آنها و جلوگیری از ایرادهای آنها و دفع ضرر از آنها و کسب منافع برای آنها و امر نمودن آنها به نیکی و نهی آنها از بدی همراه با مدارا و اخلاص. مهربانی به آنها و احترام به بزرگتر آنها و مهربانی با کوچکتر آنها، ترک نمودن نیرنگ و حسادت به آنان و این که چیزی را شخص برای آنها دوست ندارد که برای خود دوست می‌دارد و شامل امور خیر می‌شود و

برای آنها نسبت به چیزی کراهت داشته باشد که خودش نسبت به آن کراهت دارد و دفاع از مالها و ناموس آنها و همچنین دیگر مسائل که با سخن و عمل صورت می‌گیرد و تشویق نمودن آنها به انجام هر چه از خیرخواهی که در قبل بیان شد و نشاط دادن به آنها در طاعات می‌باشد.

درسهایی که از حدیث «الدین النصیحة» گرفته می‌شود:

۱- امر به خیرخواهی و تاکید بر آن تا جایی که از روی توجه به آن تمامی دین بر آن قرار گیرد.

۲- خیرخواهی دین اسلام نام گرفته است و اسلام بر اساس خیرخواهی می‌باشد.

۳- بر علماست که این امر مهم را به طور اجمالی بیان دارند و بعد از آن شرح آن را آموزش دهند تا شنونده از آن درس بگیرد و آن در جانش واقع شود و آن را قبول کند.

۴- خیرخواهی مسلمان به برادر مسلمان در تمامی احوال و زمانها و مکانها واجب است.

۵- خیرخواهی برای امامان مسلمان، شامل حرف شنوی از آنها و اطاعت از آنها در امور نیک و کمک نمودن به آنها در امور حق و راهنمایی نمودن آنها به چیزی که جهل دارند یا از آن غافل هستند، می باشد و همچنین وفا نمودن به پیمانی که با آنها بسته شده است و به کار بستن امر آنها در امور حق می باشد.

۶- از درسهایی که از آن گرفته می شود، دین به عمل گرفته می شود، زیرا خیرخواهی دین نام گرفته است.

۷- از درسهایی که از آن گرفته می شود، دین فقط عقیده و عبادت و معامله نمی باشد به مانند آنچه که بعضی می گویند و آن فقط عقیده، عبادت، معاملات و نظام زندگی است.

آداب نصیحت

* نصیحت و خیرخواهی فقط برای رضایتمندی الله تعالی باید صورت گیرد: بدین صورت که خیرخواه و نصیحت کننده،

امید به چیزی نداشته باشد، مگر رضایتمندی الله تعالی و آخرت. نباید در خیرخواهی و نصیحت هدفی از امور دنیا و ریا یا تعریف کردن مردم از وی وجود داشته باشد. نیت در اسلام اساس عمل است و اخلاص در آن از مهمترین اموری است که باعث قبول شدن عمل نزد الله تعالی و نزد نصیحت شده می-باشد.

❖ هدف نباید عیب گرفتن و مشهور شدن باشد: بر نصیحت کننده واجب است که به نصیحت شده بفهماند که هدف او خیرخواهی و محبت است و او در ورای نصیحت خود نباید به چیزی امید داشته باشد، مگر رضایتمندی الله تعالی. دلیل دفع نمودن چیزی از شخص با نصیحت، فقط از ترس واقع شدن آن شخص در خشم الله تعالی می باشد و همچنین به این سخن پیامبر ﷺ عمل شود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ» (ایمان کسی از شما کامل نمی شود، مگر آن که آن چیزی را برای برادرش دوست داشته باشد که برای خودش

دوست دارد) [رواه مسلم].

✱ نصیحت باید پنهانی صورت گیرد: بر نصیحت کننده واجب است که برادر خود را فقط در تنهایی نصیحت کند تا بتواند با او به طور واضح صحبت کند و از رد نمودنش ترس نداشته باشد. زیرا نصیحت نمودن جلوی مردم باعث تحریک شدن نفس توسط شیطان می شود و باعث می شود تا آن شخص دچار غرور شود و نصیحت را رد نماید و در این حالت است که با نصیحت نمودن، به شیطان کمک می شود؛ زیرا نفس بشری این گونه است که دوست ندارد شخصی از عیب های وی آگاه شود. از آدابی که در نصیحت کردن از پیامبر ﷺ آمده است این است که او در کاری که آن را زشت می دانست، نام انجام دهنده های آن را نبرده است بلکه بدین صورت بیان فرموده است: «ما بال أقوام یفعلون کذا و کذا» (گروه هایی را چه شده است که این چنین و آن چنان رفتار می نمایند). در بین آنها کسی بود که متوجه شد منظور از این امر او می باشد و این از

بالاترین روشهای نصیحت و تربیت می‌باشد و بالاترین آن است و آن از سنت پیامبر ما محمد ﷺ برداشت می‌شود.

* نصیحت همراه با حکمت و پند نیکو باشد: بر نصیحت

کننده واجب است که به این سخن الله تعالی عمل نماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵] (به سوی راه پروردگارت با حکمت و پندی نیکو، دعوت بده و با آنها به شکلی بحث کن که نیکوتر می‌باشد) حکمت باید در آن جاری باشد و از نصیحت کننده خواسته شده است که با روشی نیکو، ملایم و آسان مردم را به سوی الله تعالی دعوت دهد و به آنها لطف داشته باشد و نسبت به آنها مدارا نماید و مدارا نمودن در نصیحت، باعث به وجود آمدن امور خیر می‌شود، پیامبر ﷺ فرموده است: «ما كان الرفق في شيء إلا زانه، وما نزع من شيء إلا شانه» (مدارا نمودن در چیزی واقع نمی‌شود، مگر آن که آن را نیکو می‌گرداند و از چیزی جدا نمی‌شود، مگر آن که آن را زشت می‌کند) [رواه

مسلم].

✱ انتخاب زمان و مکان مناسب: از ضروریات است که نصیحت کننده زیرکی نماید و حالتی مناسب را برای نصیحت نمودن، پیدا کند تا آن که در نصیحت خود توفیق یابد. بر نصیحت کننده است که بعضی از مسائل را رعایت کند، از آنها: نصیحت شده مشغول به کاری نباشد، زیرا باعث می شود که او آنچه را که به او گفته می شود را درست نفهمد و چه بسا که باعث تنفر وی شود یا آن که بخواهد از شما دوری کند و بهتر است که تنها باشد، زیرا انسان دوست دارد که نزد دیگران به کمال شناخته شود و با نصیحت نمودن شما او را نقص دار معرفی می کنید.

فضیلت رسیدن به خیر از میوه های نصیحت است

✱ پیامبر ﷺ فرموده است: «من دلّ علی خیر فله مثل أجر فاعله» (کسی که به سوی خیر راهنمایی کند، اجری به مانند

انجام دهنده‌ی [آن خیر] برای او خواهد بود، [بدون آن که ثوابی از انجام دهنده کم شود] [رواه مسلم].

❖ پیامبر ﷺ فرموده است: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ»
(راهنمایی کننده به خیر به مانند انجام دهنده‌ی آن است)
[صحیح: الترمذی].

❖ پیامبر ﷺ فرموده است: «فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ» (قسم به الله، [ای علی!] اگر یک نفر از آنها توسط تو هدایت شود، برای تو از گله‌ی شترهای قرمز^۱ بهتر است) [رواه البخاری (بخارایی)].

❖ پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ دَعَا إِلَى هَدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا..»
(کسی که به سوی هدایتی دعوت دهد، برای او اجر به مانند کسی که از آن [هدایت] تبعیت کرده است وجود دارد و چیزی

^۱ - شتر قرمز در آن زمان، حکم ماشین‌های مدل بالا را در زمان ما داشت. (مترجم)

از اجرهای آنها کم نمی‌شود) [رواه مسلم].

این احادیث مسلمانان را به شتاب نمودن به سوی عمل خیر تشویق می‌کنند و چه بسا که این امور خیر کوچک باشند، ولی الله تعالی در آن خیر بزرگی قرار دهد و راهنمایی به سوی خیر قسمتی از خیرخواهی است؛ زیرا هدف هر دوی آنها یکی است و آن راهنمایی مردم به راه خیر و برحذر داشتن آنها از شرّ می‌باشد. هر کسی که توسط خیرخواهی یا به سبب دعوت و راهنمایی او هدایت شود، برای او به مانند آنچه شخص راهنمایی شده ثواب کسب کرده است، ثواب وجود دارد، بدون آن که از ثواب خیرخواهی شده چیزی کم شود.

در آخر: ما از کسانی نیستیم که اشتباه نکنیم و یا از راه حق منحرف نشویم، بلکه در ما غریزه‌ها و سرشتهایی وجود دارد که ما را به سوی راه و بی‌راه و خیر و شرّ سوق می‌دهند و انسان تمامی خطای خود را نمی‌شناسد و به آن هدایت نمی‌شود.

ای برادر مسلمانم! از ضروریات است که سرشتهای مردم و غریزه‌های آنها شناخته شود و آنها نه ملائک هستند و نه پیامبر، پس بین آنها خطا وجود دارد و لغزش ایجاد می‌گردد و امر همان گونه که در اول گفته شد، می‌باشد:

چه کسی است که از تمامی طبیعتهای او راضی باشی؟

به همین دلیل حق برادر بر برادر است که عیب او را به او نشان دهد و در امر او خیرخواهی و نصیحت ایجاد گرداند. اگر مردم با تساهل به این امر نگاه کنند، دوست از دوست بی‌زار می‌شود و برادر، برادر خود را رها می‌کند، رابطه‌ها تیره می‌گردد و دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌گردد و در اجتماع، شر و فساد موج فشانی می‌کند.

بر عکس اگر امت به اخلاق خیرخواهی شناخته شود، حق بین مردم محترم می‌شود و اعتماد بین مردم زیاد می‌شود، خیانت، نیرنگ، تهمت زدن و بی‌احترامی از بین می‌رود و در اجتماع امنیت و اطمینان خاطر ایجاد می‌گردد. همان گونه که

آن را در پیشینیان صالح خودمان رضی الله عنهم أجمعین دیدیم. ما باید از خطاهای آنها درگذریم، منهج آنان را بگیریم به عمل آنها عمل کنیم و به دعوت آنها دعوت نماییم و به هدایت آنها هدایت شویم و این آخرین امری بود که بیان آن برایم میسر شد. والله أعلم.

صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.